



Sociological Analysis of Economic Corruption from the Perspective of Professors of Tehran Universities*

Maysam Musai¹ | Mohammad Reza Mohammadi²

1. Professor, Department of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran, E-mail: mousaaei@ut.ac.ir

2. Corresponding author, PhD Candidate in Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. E-mail: mrmohamadi@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 07 March 2022;

Received in revised form: 28 August 2022;

Accepted: 15 October 2022;

Published online: 19 January 2023

Keywords:

Economic Corruption,
Thematic Analysis, Social
Damage, Economic
Sociology, Development.

ABSTRACT

Introduction: Economic corruption is a phenomenon that has various social, economic and political roots, and emphasizing one cause obscures the truth of corruption. The economy of any country is considered as a series of nerves and vital arteries, and the presence of complications in the economy leads to problems for the entire vital arteries and related subsystems. On the other hand, it is obvious that all societies are made up of different subsystems and these subsystems in conjunction with each other objectify the process of survival and continuity of governments. Each of the different subsystems in the process of development and change, can suffer from all kinds of complications and injuries that prevent them from performing their main functions over time. Economic corruption is one of these complications, which not only disrupts the functioning of the economic subsystem, but also challenges the functioning of the rest of the subsystem.

According to the report of Transparency International Organization (2021), Iran is ranked 150th among 180 countries and its corruption index is 2.5 out of 10, which is a deterioration compared to the previous year. Surveys and research confirm the existence of economic corruption in the country. It can be said that corruption has been and continues to be the work of governments and that any effort to improve the situation in society and make it free of corruption must be based on planning at all economic, social and political levels. Meanwhile, referring to and citing opinions of professors and thinkers can play an important role in understanding what corruption is, how it occurs and how to control it. The importance of this topic was clear to the researchers before they began this study, as were the gaps in this area. Therefore, they considered conducting this research as a reference point to use the opinions of university professors as leaders of science and thought and undertook to clarify the ambiguous path of economic corruption. To achieve this goal, professors were selected who were experts in the field or had related expertise in areas such as political science, sociology, and economics. This research was also based on the premise that by referring to the opinions of academic elites and expert professors, it is possible to better understand the nature and causes of the prevalence of corruption in society so that the practical results can be used at various levels of policy making.

Method: The method of this research is qualitative. Data were collected through interviews and analyzed using thematic analysis. In this research, after conducting the interviews, all the concepts related to the concept of economic corruption were noted down on several sheets of paper and compiled in a table. Then, all related concepts were entered into the table and analyzed row by row.

Finding: From the point of view of the participants of this research, the components that constitute economic corruption, such as the low cost of corruption, the ambiguity and conflict in the laws, the political structure, the lack of transparency, the state economy, the normalization of corruption, and the weakness of the judicial system, which mostly indicate weak governance in the country and thus the institutionalization of corruption in the country, leading to the stability of economic corruption.

Conclusion: The result of this research was the professors' special view of the causes and relationships of the emergence of economic corruption—a situation where poor governance has contributed to the institutionalization and spread of corruption. In order to curb corruption, it is necessary to pay attention to the formation of good governance in the country and to fight corruption in addition to dealing with the corrupt. To fight it, one should take into account all the historical, cultural, social and political factors involved.

Cite this article: Musai, M. & Mohammadi, M. (2017). Sociological Analysis of Economic Corruption from the Perspective of Professors of Tehran Universities. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 11(4): 1059-1072.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.338583.1276>

* Excerpted from the doctoral thesis entitled "Sociological Analysis of Economic Corruption: A Case study of Iran and Selected Countries", Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.



مطالعه جامعه‌شناختی فساد اقتصادی از منظر استادان دانشگاه‌های تهران*

میثم موسایی^۱ | محمدرضا محمدی^۲

۱. استاد گروه توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mousaee@ut.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. رایانامه: mrmohamadi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مقدمه: می‌توان گفت فساد همزاد دولت‌ها بوده و هست و هرگونه تلاش برای بسامان کردن اوضاع جامعه و عاری ساختن آن از فساد باید مبتنی بر برنامه‌ریزی در کلیه سطوح اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشد. در این میان، رجوع و استناد به نظرات استادان اندیشمندان می‌تواند نقش بسزایی در شناخت چپستی، ماهیت فساد و راه‌های کنترل آن داشته باشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶	روش: در این مطالعه از روش کیفی و با رویکرد تحلیل تماتیک استفاده شد. بدین شیوه که فرایند پژوهش از طریق مصاحبه با ۱۵ نفر از استادان صاحب‌نظر دانشگاه‌های تهران (تهران، تربیت مدرس، شهید بهشتی) پیش رفت و در کنار آن، اسناد و ادبیات موضوع نیز بررسی شد. سؤال محوری تحقیق درباره موضوع فساد اقتصادی و بررسی نظرات استادان درخصوص چپستی، چرایی و علل وقوع آن در کشور بود. سؤالات پژوهش تا مرحله رسیدن به اشباع نظری و متعاقب آن ظهور تم‌های فرعی و اصلی ادامه یافت و موجب شکل‌گیری طبقات و تم‌های فرعی و اصلی شد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۶/۶	یافته‌ها: عواملی که از نظر مشارکت‌کنندگان در وقوع فساد نقش دارند، از عوامل تاریخی و فرهنگی تا وجود انحصار و فقدان رقابت، تغییر ارزش‌ها، تداخل سیاست و اقتصاد، مادی‌گرایی و وابستگی دولت به نفت در کنار نبود شفافیت، ابهام و تعارض در قوانین، اقتصاد دولتی، ضعف سیستم قضایی، نبود احزاب و پایین‌بودن هزینه‌های فساد است که به ظهور تم اصلی وجود شبکه نهادی و شیوع فساد در نظام اقتصادی منجر شد.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۳	نتیجه‌گیری: از منظر اساتید ضعف حکمرانی به نهادینه شدن و گسترش فساد کمک کرده است. از این‌رو برای مهار فساد باید حکمرانی خوب مطرح‌نظر بوده و برای مبارزه با آن باید تمام عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دخیل در ایجاد آن در نظر گرفته شوند.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹	کلیدواژه‌ها: آسیب اجتماعی، تحلیل تماتیک، جامعه‌شناسی اقتصادی، توسعه، فساد اقتصادی.

استناد: : موسایی، میثم و محمدی، محمدرضا (۱۴۰۱). مطالعه جامعه‌شناختی فساد اقتصادی از منظر استادان دانشگاه‌های تهران. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۱(۴): ۱۰۵۹-۱۰۷۲. DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.338583.1276>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* مستخرج از رساله دکتری، با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی فساد اقتصادی؛ مورد مطالعه: ایران و کشورهای منتخب» دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی؛ تهران، ایران.

مقدمه و طرح مسئله

فساد اقتصادی پدیده‌ای است که ریشه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد و تأکید بر یک علت، سبب کتمان حقیقت فساد می‌شود. اقتصاد هر کشوری سلسله اعصاب و شریان‌های حیاتی آن به‌شمار می‌رود و وجود عارضه در اقتصاد، کل شریان‌های حیاتی و خرده‌نظام‌های مترتب بر آن را دچار مشکل می‌سازد. از سویی آشکار است که همه جوامع از خرده‌نظام‌های مختلف تشکیل یافته‌اند و این خرده‌نظام‌ها در پیوند با هم، فرایند بقا و استمرار حکومت‌ها را عینیت می‌بخشند. هریک از خرده‌نظام‌های مختلف در فرایند تکامل و تغییر ممکن است دچار انواع عارضه‌ها و آسیب‌هایی شوند که با گذشت زمان این‌گونه عوارض، آن‌ها را از کارکردهای اصلی خود بازدارد. فساد اقتصادی از جمله این عارضه‌ها است که نه‌تنها کارکرد خرده‌نظام اقتصادی را مختل می‌سازد، بلکه عملکرد بقیه خرده‌نظام را زیر سؤال می‌برد.

طبق گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل (۲۰۲۱)، جایگاه ایران در بین ۱۸۰ کشور ۱۵۰ گزارش شده و رتبه ادراک شاخص فساد از ۱۰، عدد ۲/۵ بوده است که نسبت به سال قبل تنزل یافته است.

نظرسنجی‌ها و پژوهش‌های صورت‌گرفته مؤید وجود فساد اقتصادی در سطح کشور است (رفیع‌فر، ۱۳۸۵؛ فاضلی، ۱۳۸۸؛ محمدی، ۱۳۹۶؛ حسینی، ۱۳۹۵). می‌توان گفت فساد همزاد دولت‌ها بوده و هست و هرگونه تلاش برای بسامان کردن اوضاع جامعه و عاری‌ساختن آن از فساد باید مبتنی بر برنامه‌ریزی در کلیه سطوح اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشد. در این میان، رجوع و استناد به نظرات استادان و اندیشمندان می‌تواند نقش بسزایی در شناخت چیستی، ماهیت فساد و راه‌های کنترل آن داشته باشد که اهمیت این مسئله قبل از شروع پژوهش و نیز خلأهای موجود در این زمینه بر محققان روشن بود؛ بنابراین انجام این پژوهش را نقطه اتکالی برای استفاده از نظرات استادان دانشگاه به‌عنوان سرآمدان علم و اندیشه تلقی کردند و انجام آن را برای روشن‌تر کردن مسیر ابهام‌آلود فساد اقتصادی در پیش گرفتند. برای نیل به این هدف، استادانی که در این حوزه صاحب‌نظرند یا تخصص‌های مرتبطی در رشته‌هایی مانند علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد دارند انتخاب شدند. این پژوهش نیز با این پیش‌فرض آغاز شد که با استناد به نظرات نخبگان دانشگاهی و استادان صاحب‌نظر، بهتر می‌توان به ماهیت و دلایل شیوع فساد در جامعه پی برد؛ به‌گونه‌ای که نتایج کاربردی آن در سطوح مختلف سیاست‌گذاری نیز قابل استفاده باشد.

پیشینه پژوهش

فساد به معنای عام آن، سابقه‌ای به درازای خلقت بشر دارد و نوع و میزان آن در ادوار گوناگون اجتماع و تاریخ متغیر و متفاوت بوده است و از آنجا که پدیده‌ای اجتماعی است، مطالعات و کارهای پژوهشی زیادی درمورد آن صورت گرفته است. در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

موضوع فساد اقتصادی از منظرهای مختلفی مطالعه شده است. قلی‌پور (۱۳۸۴) در بررسی «رابطه کنترل فساد و حکمرانی خوب» به این نتیجه رسید که هر اندازه میزان حکمرانی بهبود یابد، فساد به همان اندازه نیز کنترل می‌شود و سلامت اداری افزایش می‌یابد. از نظر آن‌ها، کنترل فساد با حکمرانی در کنار شاخص‌هایی مانند حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی، حق اظهارنظر و مشارکت، شفافیت و نظارت عمومی رابطه مستقیم با فساد دارد. محنت‌پور (۱۳۸۳) در مقاله «فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن در فرایند توسعه اقتصادی» ضمن تأکید بر مبارزه با فساد اقتصادی در کشور، پیشنهادهایی نیز در راستای اصلاحات اقتصادی و برنامه ملی مبارز با فساد برای دستیابی به توسعه اقتصادی ارائه کرد.

تریمن (۲۰۰۰) در مقاله «عوامل فساد؛ یک مطالعه عرضی-ملی» این سؤال را مطرح کرد که چرا شاخص ادراک فساد در برخی کشورها بیشتر است. از نظر او تئوری‌های متفاوتی با اجزای سنتی، فرهنگی و تاریخی با سطوحی از توسعه اقتصادی، نهادهای سیاسی و سیاست‌های حکومت در ایجاد فساد نقش دارند. او به قواعد بریتانیایی و آیین پروتستانی و اقتصادهای بیشتر توسعه‌یافته توجه کرد و نشان داد در کشورهای دارای قواعد پروتستانی، فساد کمتر بوده است. همچنین دولت‌های فدرال با میزان اندک دموکراسی، بیشترین فساد را داشته‌اند. وارن (۲۰۰۴) در مقاله «فساد و دموکراسی» به بررسی ارتباط بین فساد و دموکراسی پرداخت و به این نتیجه رسید که فساد با دموکراسی ارتباط دارد. بدین معنا که در کشورهایی که دموکراسی وجود دارد فساد کمتر دیده می‌شود و در کشورهایی که به صورت دموکراتیک اداره نمی‌شوند، فساد بیشتر است. آکیف آرواس و یلماس آتا (۲۰۱۱) در مطالعه «عوامل تعیین‌کننده فساد اقتصادی؛ تحلیل داده‌های عرضی-کشوری» فساد را در ۲۵ کشور اروپایی در بین سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۷ به صورت تجربی آزمودند. از جمله عواملی که به عنوان عامل تعیین‌کننده فساد اقتصادی ذکر شده است، مواردی مانند توسعه اقتصادی، رشد، تورم، آزادی اقتصادی و توزیع درآمد است. نتایج تحقیق نشان داد توسعه اقتصادی، تورم، آزادی اقتصادی و توزیع درآمد، رابطه آماری معناداری با فساد دارد. در همین رابطه و در مدت ذکر شده در تحقیق، با افزایش درصد تولید ناخالص داخلی، فساد کاهش پیدا می‌کند. همچنین یافته‌ها نشان داد در دوره زمانی مذکور، با افزایش تورم و انحراف توزیع درآمد، فساد نیز افزایش یافته است. در این تحقیق، رشد اقتصادی ارتباط آماری معناداری با فساد داشته است. رفیع فر (۱۳۸۵) در کتاب *سرطان اجتماعی فساد*، فساد را نوعی سرطان اجتماعی می‌داند که با تکثیر سریع، مثل غده سرطانی عمل می‌کند و کارکرد دیگر اجزا و عناصر اجتماعی را دچار اختلال می‌کند. ربیعی (۱۳۸۷) در کتاب *زنده باد فساد* اشاره کرد هر جا که قدرت و ثروت با هم متمرکز شود، فساد ایجاد می‌شود و هر جا دولتی باشد فساد آنجا هست. فاضلی (۱۳۸۸) در کتاب *ضرورت سنجش فساد*، از نبود سازوکارهای لازم برای سنجش فساد در نهاد و سازمان‌ها یاد کرد و براساس مطالعات خود، طراحی سازوکارهای ویژه سنجش فساد در هر سازمان و نهاد را ضروری دانست.

چارچوب مفهومی

فساد را عموماً سوءاستفاده از مناصب دولتی برای تأمین منافع شخصی تعریف می‌کنند. در فرهنگ وبستر، فساد به عنوان «رفتار نادرست یا غیرقانونی به‌ویژه از سوی افراد دارای قدرت» تعریف شده است (وبستر، ۲۰۰۸). در میان انواع و اقسام تعاریفی که از مفهوم فساد ارائه شده است، به نظر می‌رسد تعریف جامعه‌شناختی از فساد بهتر و دقیق‌تر می‌تواند پدیده فساد را از دیگر پدیده‌های مشابه متمایز سازد و حدود مفهومی آن را تعریف کند. از این منظر، فساد تبدیل روابط اجتماعی به مبادله‌ای سودمندانه و تبعیض‌آمیز است که طی آن، اهداف عام جای خود را به اهداف خاص می‌دهد و خیر نامحدود (نظیر قانون‌گرایی، امانتداری، حلال‌خواری، رعایت موازین حرفه‌ای و تخصصی، وفاداری، تعهد، صداقت، فضیلت، حریت، علم، حق‌طلبی و از این قبیل) به خاطر خیری محدود (پول، مقام و منصب، مدرک، پرستیژ، نفوذ، اعتبار اجتماعی) قربانی می‌شود (خیالت دوگراف و همکاران، ۱۳۹۵). دورکیم بی‌هنجاری را نخستین شناخت بیماری (آسیب‌شناسی) در جوامع مدرن می‌داند (دیلنی، ۱۳۸۹). مرتن نیز در تکمیل نظریه دورکیم به حالتی اشاره می‌کند که در آن فرد نه در اهداف، بلکه در وسایل نیل بدان‌ها با فرهنگ جامعه در تضاد است و ممکن است طریق و وسایل جدیدی را در جهت نیل به اهداف فرهنگی مقرر در نظر می‌گیرد. او این حالت را بدعت و نوآوری می‌داند (مرتن، ۱۳۷۶). معمولاً عمل مفسدان نیز در خارج از چارچوب‌های نهادی و تعریف‌شده جامعه صورت می‌گیرد. از نظر رزاکرم (۱۳۸۳)، فساد عمدتاً مسئله‌ای اقتصادی و سیاسی است و برای فهم علل آن و پیامدهای آن از همین منظر باید به آن نگاه کرد. از نظر او، فساد در یک دولت نه فقط به ناکارایی و بی‌عدالتی در توزیع مزایا و هزینه‌های عمومی می‌انجامد، بلکه نشانه آن نیز هست که عمل دولت بدون توجه به منافع عمومی شکل می‌گیرد. از یافته‌های پژوهشی برمی‌آید که فساد با

ساختارها و اجزای تشکیل‌دهنده جامعه خود را همسو می‌کند و برای کاهش آن، حکمرانی خوب کفایت می‌کند. آنچه در این پژوهش در مورد موضوع فساد اقتصادی مطرح بوده است، بحث و بررسی درباره چپستی، چرایی و چگونگی کنترل یا مبارزه با فساد اقتصادی است. موضوعی که با مراجعه به نظرات استادان و نخبگان جامعه دانشگاهی می‌توان مسیر روشنی را پیدا کرد و در این مقاله سعی شد از این مزیت بهره برده شود و پاسخ به سؤالات تحقیق از زبان دانشگاهیان روایت و تحلیل شود.

روش تحقیق

روش این تحقیق کیفی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از شیوه مصاحبه و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل تماتیک استفاده شد. در این تحقیق پس از انجام مصاحبه‌ها، همه مفاهیمی که ارتباط با مفهوم فساد اقتصادی داشتند در چند برگ یادداشت و در جدولی تنظیم شدند. سپس همه مفاهیم مرتبط در جدول وارد و خط به خط تحلیل شدند. تعداد مفاهیم اصلی تحقیق ۱۳۰ مورد بود که در مجموع به ۲۰ مقوله اصلی تبدیل شدند.

یافته‌های حاصل از تحقیق از مصاحبه با پانزده نفر به ترتیب، نه نفر از استادان دانشگاه‌های تهران (شامل دانشگاه تهران، تربیت مدرس و دانشگاه شهید بهشتی) و دو نفر از اعضای مؤسس سازمان دیده‌بان عدالت و شفافیت و استفاده از اسناد مصاحبه‌ای چهار نفر از متخصصان حوزه فساد به دست آمد. برای صحت یافته‌ها و اطمینان به روایی داده‌ها به استادان متخصص در حوزه فساد اقتصادی مراجعه شد و کار جمع‌آوری داده‌ها تا مرحله اشباع داده‌ها پیش رفت. کار نوشتن و تحلیل داده‌ها نیز از زمانی آغاز شد که دیگر داده جدیدی به دست نیامد و داده‌ها حالت تکراری پیدا کرد. در جدول ۱ مشخصات مشارکت‌کنندگان آمده است.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

ردیف	کد	دانشگاه	رشته	رتبه علمی
۱	A	تهران	حقوق و علوم سیاسی	دانشیار
۲	B	تهران	حقوق و علوم سیاسی	دانشیار
۳	C	شهید بهشتی	اقتصاد	دانشیار و بازنشسته
۴	D	الزهر	اقتصاد	دانشیار
۵	E	تهران	اقتصاد	دانشیار
۶	F	تهران	اقتصاد	استادیار
۷	G	تهران	اقتصاد	دانشیار
۸	H	تهران	اقتصاد	استاد تمام
۹	I	علامه	اقتصاد	دانشیار
۱۰	J	تهران	اقتصاد	استاد تمام
۱۱	K	علامه	اقتصاد	دانشیار
۱۲	L	تهران	اقتصاد	دانشیار
۱۳	M	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	اقتصاد	استادیار
۱۴	N	تربیت مدرس	اقتصاد	استادیار
۱۵	O	تهران	مدیریت	دانشیار

فرایند جمع آوری داده‌ها و تحلیل یافته‌ها

از آنجا که جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه صورت گرفت، سؤالات مصاحبه به‌صورت نیمه‌ساختاریافته طراحی شد و در ادامه، طبق هماهنگی قبلی که با تمامی مشارکت‌کنندگان انجام گرفت، افراد به‌صورت هدفمند انتخاب شدند و پس از طرح سؤالات اصلی و فرعی از سوی محقق، مشارکت‌کنندگان به‌صورت تفصیلی به سؤالات پاسخ دادند. ابزار لازم برای گردآوری و مستندسازی داده‌ها، دفتر یادداشت و ضبط‌صوت بود که با اجازه آن‌ها این کار صورت گرفت. زمانی که داده‌ها گردآوری شد، می‌بایست کار تحلیل داده‌ها آغاز می‌شد؛ بنابراین یادداشت‌های حین مصاحبه چندین بار مرور شد و مکتوب‌شدن نیز به‌صورت دقیق صورت گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها لازم بود تا کدگذاری اولیه انجام شود. این کار با نوشتن عین عبارت‌ها در سمت راست جدول و اختصاص کدها استمرار یافت که در جدول ۲ نمونه‌ای از عبارات معنایی و کدهای اولیه آمده است.

جدول ۲. نمونه‌ای از کدهای اولیه مستخرج (مفاهیم)

کد اولیه	عبارت معنایی
دنبال منافع خود بودن	همه کنشگران انسانی می‌خواهند از مجموعه ثابتی از ارجحیت‌ها، حداکثر منافع را کسب و حداقل هزینه را پرداخت کند.
هزینه کم‌فساد برای مفسدان	وقتی افراد هزینه فساد را کمتر از پاداش آن می‌بینند، به‌سهولت دست به هرگونه تخلف مالی می‌زنند.
شفافیت در گردش مالی	لازم است برای جلوگیری از فساد، گردش اطلاعات مالی - به‌جز در مواردی که مربوط به مسائل دفاعی کشور است - شفاف و روشن در اختیار نهادهای نظارتی و عموم مردم باشد و اگر انحرافی در نحوه مصارف و هزینه‌کردها دیده می‌شود، از وقوع تخلف پیشگیری شود.
نظارت مردمی	هنگامی که مردم بتوانند بر عملکرد سیاستمداران نظارت بکنند و نتیجه کار آن‌ها را ارزیابی کنند، میزان فساد کاهش می‌یابد و این جز با شفافیت میسر نمی‌شود.
ساختار دولتی بزرگ	عوامل اصلی فساد، ساختار دولتی بزرگ است که بر کشور حاکم است و این ضربه بزرگی می‌زند؛ زیرا قادر نیست نظارت کند و اگر هم نظارت دارد، بسیار زمان‌بر و طولانی می‌شود.
ضعف نظارت و عدم پاسخگویی دولت	بحث دیگر نظارت ضعیف سازمان‌های ناظر است. در همه جای دنیا، دولت پاسخگوی مردم است؛ زیرا منابع مالی خود را از آن‌ها تأمین می‌کند، اما در کشور ما مردم از دولت جدا است و دولت مجبور به پاسخگویی به مردم نیست؛ چون منابع مالی را خودش تأمین می‌کند.
عادی شدن فساد	وقتی فساد جزئی از زندگی شد، برگرداندن آن به وضعیت اولیه خیلی سخت است و ممکن است این هنجار از نسلی به نسلی انتقال یابد. یک توجیه استنادی در روان‌شناسی هست که می‌گوید: «چرا فلانی دزدی کرد چیزی نگفتند؟ پس من هم دزدی می‌کنم.»
دستگاه قضایی	قوة قضاییه مستقل، تفکیک قوا و نظارت کارآمد می‌تواند مانع فساد و فعالیت خودسرانه دولت شود.
وجود فساد در دستگاه‌های نظارتی	مجلس، قوة قضاییه، پلیس، دیوان محاسبات و سایر دستگاه‌های مبارزه با فساد وقتی در وضعیتی فاسد باشند، مبارزه با فساد سخت‌تر می‌شود.
سیاسی شدن فساد	دستگاه قضایی ما سیاسی شده و به‌جای اینکه دعوی بین شهروندان و هیئت حاکم را حل کند، خود بخشی از هیئت حاکم است و نباید دستگاه قضا جزو نیروهای سیاسی باشد.
رانت‌خواری جمعی	این‌ها (مفسدان) ارزش هر رانت را می‌دانند و در منافع هم شریک هستند؛ برای مثال به نمایندگان مجلس پول می‌دهند اگر در انتخابات برنده شد، فلان قانون را تصویب کنند یا فلان مالیات را از آن‌ها نگیرند.
نظام حقوقی متعارض	در کشوری که میزان فساد زیاد است، نظام حقوقی متعارض وجود دارد. از تعارض قوانین سوءاستفاده می‌کنند و دنبال قوانین متعارض می‌گردند؛ بنابراین این‌ها از ابهام قوانین استفاده می‌برند. اصلاحات باید از قوانین و مقررات آغاز شود.
نقش افراد متنفذ و غیرمولدها	کژکارکردهای نهادی سبب می‌شود فرصت‌های اعتبارات بانکی به افراد صاحب ثروت داده شود؛ مخصوصاً آن‌هایی که فعالیت‌های نامولد دارند که همین سبب ناکارآمدی می‌شود. هزینه‌های تولید بالا می‌رود و زدوبند بیشتر می‌شود.
وجود انحصار	آنجا که زمینه‌های انحصار شکل می‌گیرد، مثلاً سلطان شکر پیدا می‌شود و این انحصارها مانع از شفافیت می‌شود.
مداخله دولت در بازار	دولت‌ها با وضع قوانین و مقررات بیش‌ازحد، اعطای مجوزهای خاص و گسترش دیوانسالاری به بازارها لطمه می‌زنند. قوانین و مقررات بی‌قیدانه به

کد اولیه	عبارت معنایی
	شکل الزامات اداری، حقوقی و قانونی وجود دارد که بسیار زمان‌بر و پرهزینه است.
مخدوش‌بودن رابطه دولت و ملت	می‌توان گفت بسیاری از موارد فساد اقتصادی ناشی از بی‌اعتمادی و همبستگی به دولت و جدادانستن مردم و دولت است. وقتی رابطه دولت و ملت گسسته شد، فساد افزایش می‌یابد. عکس قضیه نیز صادق است. وقتی رابطه دولت-ملت مستحکم باشد، خیانت و دزدی کمتری صورت می‌گیرد؛ بنابراین مبارزه با فساد اقتصادی همکاری همه را لازم دارد.
مسرئ بودن فساد	فساد اقتصادی مانند یک بیماری است که سرایت می‌کند. هم زمان بر است و هم همکاری همه را می‌خواهد.
فساد قانونی	خود فاسدها در سیستم حضور پیدا می‌کنند. طرف مگر علیه خودش قانون می‌نویسد؟!
نبود احزاب سیاسی و حکمرانی خوب	حرکت به سمت اقتدارگرایی یا فقدان حکمرانی خوب زمینه‌ساز فساد اقتصادی است. اقتدارگرایی یا فساد سیاسی بسته سبب می‌شود انسان‌های بزرگ حذف شوند و انسان‌های چاپلوس و متملق بر سر کار آیند.
نبود احزاب و آزادی کافی مطبوعات	اجازه‌نداشتن فعالیت احزاب نیز به فساد کمک می‌کند؛ چون احزاب همدیگر را کنترل می‌کنند؛ بنابراین نظام سیاسی دموکراتیک به بهبود وضعیت فساد اقتصادی کمک می‌کند. نبود آزادی کافی برای مطبوعات، از عوامل ساختاری فساد اقتصادی است.
تغییر ارزش‌ها	ما دچار چنین جامعه‌ای شده‌ایم که در آن، اولین چیزی که دنبالش رفتند منافع مادی بود. ارزش‌های جنگ تضعیف شد. ارزش‌هایی مانند فداکاری، آزادی و ایثار از بین رفت.
مجازدانستن انجام هر کاری	بعد از جنگ، نوعی بحران هویت شکل گرفت و انسانی که گرفتار بحران هویت شود، هویت دینی و ملی ندارد. این انسان هر کاری را برای خودش مجاز می‌داند؛ چون هیچ‌گونه ارزش یا هنجاری مانع اراده او نیست.
مصرف نمایی	الان روند فرق کرده است. عده‌ای دوست داشتند آن موقع انقلابی دیده شوند؛ الان به‌روز دیده می‌شوند. ارزش‌های کنونی ارزش‌های مصرفی هستند. آدم‌ها به تناسب مصرفشان دیده می‌شوند.
انتخاب مسیر غلط	افراد برای اینکه برچسب ناموفق نخوردند سعی می‌کنند الگوهای مصرفی‌شان را فراتر از ظرفیت خودشان نشان دهند. اگر کسی فرصت‌های رشد نداشته باشد، تلاش می‌کند از مسیرهای غیرمعارف به آن دست یابد و وارد شبکه‌های جرم و جنایت شود.

پس از تهیه کدهای اولیه، طبق قواعد، تم‌های فرعی برآمده از مفاهیم اولیه می‌بایست ظاهر می‌شدند؛ بنابراین تم‌های فرعی در سمت چپ جدول و از دل مفاهیم (کدهای اولیه) به‌دست آمدند و به‌صورت زیر نمایان شدند:

البته برخی از کدها و تم‌های فرعی مانند تغییر ارزش‌ها، مصرف نمایی، انتخاب مسیر غلط و مجازبودن برای انجام هر کاری و سبک زندگی به‌دلیل عدم تکرار متوالی از طرف مشارکت‌کنندگان در این تحلیل کنار گذاشته شدند و مقوله‌هایی که تشکیل طبقات دادند و تکرار و اهمیت بیشتری از نظر مشارکت‌کنندگان داشتند، در این برهه ظاهر شدند. شبکه‌ای بودن فساد، فساد ناظران، پیوند اقتصاد و سیاست، ضعف حکمرانی و ضعف قوانین، مضامین مهم جدول ۳ هستند.

جدول ۳. مضامین فرعی تحقیق

ردیف	مفهوم (کد اولیه)	مضامین فرعی
۱	ارجحیت منافع شخصی بر منافع جمعی، رانت‌خواری گروهی، افراد متنفذ و غیرمولدها، هزینه پایین فساد	تصرف سیاسی
۲	نبود شفافیت، ضعف نظارت دستگاه‌های ناظر و عدم پاسخگویی، وجود فساد در دستگاه‌های نظارتی، وجود انحصار، مسرئ بودن فساد	فساد ناظران
۳	سیاسی شدن فساد، رانت‌خواری جمعی، نقش افراد متنفذ و غیرمولد در تولید فساد، مداخله دولت در بازار	اقتصاد و سیاست
۴	عادی شدن فساد، مصرف نمایی، انحراف از اصول و ارزش‌های اولیه انقلاب	تغییر سبک زندگی
۵	نبود احزاب سیاسی و آزادی کافی مطبوعات، مشکل حکمرانی خوب	ضعف حکمرانی
۶	نظام حقوقی متعارض، فساد قانونی	ضعف قوانین

پس از رفت‌وبرگشت‌های مداوم و مراجعه به مشارکت‌کنندگان و صاحب‌نظران این حوزه، درنهایت دو مقوله مرکزی و تم‌های اصلی «فساد شبکه‌ای» و «اقتصاد سیاسی» مطابق جدول ۴ پدیدار شدند.

جدول ۴. ظهور مضامین اصلی

ردیف	مفهوم اولیه	مضامین فرعی	مضمون اصلی
۱	ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی	رانت‌جویی	فساد شبکه‌ای
۲	تسلط افراد متنفذ و غیرمولد		
۳	رانت‌خواری جمعی		
۴	نقش دولت در اقتصاد	فساد دولتی	
۵	وجود افراد متنفذ و غیرمولد		
۶	وجود سلطان در بخش‌های مختلف	اقتصاد سیاسی	حکمرانی ضعیف
۷	نقش صاحبان ثروت در سیاست		
۸	زدبوندها		
۹	اعطای مجوز به افراد خاص		
۱۰	حضور برخی افراد فاسد در سیستم		
۱۱	تعدد قوانین	کیفیت قانون‌گذاری	

یافته‌ها

پایین‌بودن هزینه فساد، انتخاب عقلانی، کسب منافع حداکثری و پرداخت هزینه حداقلی، نقضان در اجرای عدالت، پنهان‌کردن درآمدها، شفاف‌نبودن اظهارات مالیات و سازمانی‌بودن، از عواملی است که در گسترش و شیوع فساد اقتصادی مؤثر است. براساس نظریه انتخاب عقلانی، همه کنشگران انسانی می‌خواهند از مجموعه ثابتی از ارجحیت‌ها، حداکثر منافع را کسب و حداقل هزینه را پرداخت کنند؛ بنابراین وقتی افراد هزینه فساد را کمتر از پاداش آن می‌بینند، به سهولت دست به هرگونه تخلف مالی می‌زنند. یکی از استادان معتقد است: «هرکس فساد کند، هزینه بالایی ندارد. نه‌اینکه زندان است و بعد تخفیف داده می‌شود» (کد A). دیگری معتقد است: «مسئله به خود هزینه و پاداش فساد برمی‌گردد. اگر هزینه فساد بالا نباشد، تداوم تاریخی پیدا می‌کند. در جوامع، اگر هزینه و معیار عدالت یکنواخت و یکسان باشد، گروه‌های فاسد پیدا نمی‌شود» (کد B). لازم است برای کاهش فساد اقتصادی، بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه خط قرمزی با هرکسی که فساد می‌کند برخورد شود و اگر چنین اتفاقی رخ ندهد و افراد متناسب با تخلف و جرم خود مجازات نشوند، باید منتظر وقوع تخلفات گسترده‌تر اقتصادی شد. از آنجا که در کشور ما درآمدها در جایی ثبت یا اظهار نمی‌شود و افراد به راحتی از هر طریقی که پول به دست آورند خرج می‌کنند و هزینه‌ای بابت آن متحمل نمی‌شوند، از طرق مختلف از قبیل قاچاق کالا و مواد مخدر، اخذ رشوه، وام‌های کلان بانکی یا زدبندهای سیاسی صاحب اموال نامشروع می‌شوند، زمینه برای فساد فراهم‌تر است، اما در کشورهای توسعه‌یافته، تمامی افراد موظف به ثبت درآمد خود در سازمان‌های مالیاتی هستند و چنانچه منشأ و محل کسب درآمد نامعلوم باشد، تحت قانون پولشویی مجازات می‌شود و حتی مجازات زندان برای او صادر می‌شود و افراد به دلیل ترس از مجازات و هزینه‌های سنگین، کمتر دست به جرائم مالی می‌زنند. دیگری معتقد است: «طرف هر کار خلاف و فساد می‌تواند می‌کند. درآمد نامشروعش را راحت خرج می‌کند. نتیجه اینکه منافع فساد از هزینه آن بالاتر می‌رود و مرتکبان زیاد می‌شود. در ایران بنا به دلایلی که در حاکمیت هم هست، نمی‌خواهند میزان مال و ثروتشان مشخص باشد» (کد O). سازوکارهایی که کشورهای توسعه‌یافته برای کشف جرم مالی با استفاده از اظهارنامه‌های مالیاتی تدارک دیده‌اند، کار پلیس را برای کشف جرم راحت‌تر کرده است؛ زیرا افراد موظف‌اند میزان درآمد و ثروت خودشان را اعلام کنند و اعلام‌نکردن آن ریسک بزرگی است. چون فرار مالیاتی جرم سنگینی دارد، همه خود را موظف به همکاری با سازمان‌های مالیاتی می‌دانند و چنانچه افراد از هر طریقی پول کسب

کنند، تا منشأ آن مشخص نشود نمی‌توانند آن را خرج کنند و این به شفافیت درآمد و ثروت منجر می‌شود؛ بنابراین کشف سریع جرم، عامل بازدارنده مؤثری برای فساد اقتصادی می‌شود. اما اوضاع در کشور ما قدری متفاوت است. چون قانون «از کجا آورده‌ای» حاکم نیست و به‌دست آوردن و خرج کردن پول کثیف ممنوعیت خاصی ندارد، افراد به راحتی از راه‌های غیرقانونی مانند قاچاق و دلالی و واسطه‌گری پول‌های هنگفتی به جیب می‌زنند و در کوتاه‌ترین زمان به سرمایه کلان دست پیدا می‌کنند. در اینجا اگر دستگاه ناظر کارآمد با قوانین مصرح وجود داشت، افراد به راحتی به سمت فساد نمی‌رفتند.» یکی از استادان معتقد است: «فساد در ایران سازمان‌یافته است و نهادینه شده است. ۲۰ میلیارد دلار قاچاق کالا کار یک نفر نیست، بلکه سازمان‌یافته است. از طرفی فایده‌هایش به هزینه‌هایش می‌چربد» (کد O). همه این اقدامات به نبود شفافیت برمی‌گردد که در ادامه مطلب به آن می‌پردازیم.

نبود شفافیت: گردش مالی پنهان، امضای طلایی‌ها، تصمیم پشت درهای بسته و تودرتویی نهادی از جمله عواملی است که تأثیر زیادی در وقوع و گسترش فساد اقتصادی دارد. لازم است برای جلوگیری از فساد، گردش اطلاعات مالی - جز در مواردی که مربوط به مسائل دفاعی کشور است - شفاف و روشن در اختیار نهادهای نظارتی و عموم مردم باشد و اگر انحرافی در نحوه مصارف و هزینه‌کردها دیده شود، از وقوع تخلف پیشگیری شود. هنگامی که مردم بتوانند بر عملکرد سیاستمداران نظارت کنند و نتیجه کار آن‌ها را ارزیابی کنند، میزان فساد کاهش می‌یابد و این جز با شفافیت میسر نمی‌شود.

یکی از مشارکت‌کنندگان معتقد است: «علت اصلی فساد، بوروکراسی مریض اداری است که افرادی به نام امضا طلایی‌ها را ایجاد می‌کند؛ یعنی کار به یک نفر ختم می‌شود و آن یک نفر هم جوابگو نیست و این زمانی شکل می‌گیرد که شفافیت در نظام اداری مان نداشته باشیم. مدیران به جای اینکه پشت پنجره و دیوارهای شیشه‌ای نشسته باشند، پشت درهای بسته نشسته‌اند و چون پشت درهای بسته نشسته‌اند، بازرس می‌فرستیم. چون آن بازرس هم مأمور دولت است، او هم کارش شفافیت ندارد و دور باطلی ایجاد می‌شود و از قضا خود بازرس هم فاسد می‌شود.» برخی از صاحب‌نظران حوزه فساد به این فرایند، سیستمی بودن فساد می‌گویند؛ یعنی خود ناظران هم در فرایند کار نظارت و بازرسی دچار فساد می‌شوند.

برخی معتقدند: «صورت‌های مالی باید به گونه‌ای باشد تا امکان کشف خطا وجود داشته باشد. صورت‌های مالی نهادها و سازمان‌ها به ظاهر درست هستند و هیچ ایرادی نمی‌توان گرفت، اما همین خطنداشتن و عدم امکان کشف خطا، نادرستی صورت‌های مالی را نشان می‌دهد. فساد در جاهایی بروز می‌کند که سیستم‌های شفافیت مستقر نیستند. برای آن سیستم، عنصر پاسخگویی هم مهم نیست. در جامعه‌ای اگر شفافیت سیاسی و نظام حزبی حاکم باشد و در کنار آن پاسخگویی نیز وجود داشته باشد، می‌توان با فساد مبارزه کرد» (کد K).

اقتصاد دولتی: از عواملی که نقش بسزایی در فساد اقتصادی دارد، مزیت نسبی دولت در فعالیتهایی است که به‌طور طبیعی توسط بازار صورت نمی‌گیرد یا اصلاً از حوزه فعالیت‌های بازار خارج است. اشتغال دولت در غیر اموری که در آن مزیت نسبی دارد، موجب می‌شود از وظایف اصلی خود بازماند و منابع اتلاف شود و حتی از فرصت‌های دولت و سرمایه‌گذاری واحدهای خصوصی جلوگیری شود (متوسلی، ۱۳۷۳: ۱۹۱-۱۹۳). به همین دلیل قانون‌گذاران نظام، در کنار اقتصاد دولتی، دو بخش تعاونی و خصوصی را بدان افزوده‌اند و از سپردن کلیه امور به دولت خودداری کرده‌اند، اما در عمل مشاهده می‌شود دولت سکان‌دار اکثر بخش‌های اقتصادی شده و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در دست دولت، تاکنون آسیب‌های زیادی از جمله فساد اقتصادی را در پی داشته است. استادان معتقدند: «عوامل اصلی فساد، ساختار دولتی بزرگ است که بر کشور حاکم است و این ضربه بزرگی می‌زند؛ چون قادر نیست نظارت کند و اگر هم نظارت دارد بسیار زمان‌بر و طولانی می‌شود. بحث دیگر نظارت ضعیف سازمان‌های ناظر است» (کد E).

اگر به بحث اقتصاد دولتی، نحوه تأمین منابع مالی دولت را نیز اضافه کنیم و قضیه را توأمان ببینیم، این است که در کشورهایی که منابع مالی دولت از مردم از طریق اخذ مالیات یا سایر مجراها تأمین می‌شود، مردم همواره مطالبه‌گر حقوق خود هستند و مسئولان هم همواره خود را پاسخگو می‌دانند. پس در این نوع جوامع کوچک‌ترین تخلف، به چشم می‌آید و از آن چشم‌پوشی نمی‌شود، اما در جامعه ما با توجه به وابسته‌بودن دولت به مردم در تأمین منابع مالی و وجود نفت، دولت خود را کمتر موظف به پاسخگویی می‌داند و نیازی به شفاف‌سازی عملکرد خود نمی‌بیند. در همین راستا یکی از استادان معتقد است: «در همه دنیا دولت پاسخگویی مردم است؛ چون منابع مالی خود را از آن‌ها تأمین می‌کند، اما در کشور ما مردم از دولت جدا است و دولت مجبور به پاسخگویی به مردم نیست؛ چون منابع مالی را خودش تأمین می‌کند» (کد E). طبیعی است که این روند، مقدمات فساد اقتصادی را در بدنه دولت فراهم کرده و هرکسی سعی می‌کند سهم بیشتری از منابع را برای خودش اختصاص دهد. یکی از استادان معتقد است: «هرچه اقتصاد عرصه تولید دولتی‌تر باشد و دخالت دولت در اقتصاد بیشتر باشد، مردم برای فعالیت محتاج تصمیمات دولت می‌شوند. جواز لازم دارند. این جوازها قیمت دارند. توزیعش امتیاز است و چون امتیاز است به همه نمی‌رسد. کسی که می‌خواهد دریافت کند حاضر است هزینه‌هایش را تأمین کند. امضای طلایی پیش می‌آید و به دنبالش فساد است» (کد C).

هنجاری شدن فساد: نقش اساسی در افزایش فساد اقتصادی در سطوح مختلف داشته است. به نظر محققان، این وضعیت به شرایطی گفته می‌شود که همه خود را مستحق انجام هرگونه اعمال و رفتار درست و نادرست بدانند و برای انجام آن نیز توجیهات مختلفی داشته باشند: «وقتی حاکمیت پول را جای دیگر خرج می‌کند چرا من دزدی نکنم» (کد D). در یک بررسی پارلمانی که ارتباط بین فساد و مافیا را در سال ۱۹۹۳ در ایتالیا مطالعه می‌کرد، یکی از دلایلی که بیش از همه برای توجیه رفتارهای فسادآمیز بیان می‌شد این جمله بود که «همه همین کار را می‌کنند». در قرائت قوانین رایج رفتاری ممکن است مخصوصاً رفتارهای صاحبان قدرت و مقام مهم تلقی شود. این موضوع موجب می‌شود رفتار کارمندان ارشد دولت در رواج هنجارهای رفتاری بسیار مهم به حساب آید (آمارتیا سن، ۱۳۸۳: ۴۱۷). اودن (۲۰۰۱) معتقد است که کنش‌های افراد تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی یعنی راه‌های پیش‌روی افراد برای کنش (پارسونز، ۱۹۵۱؛ کلمن، ۱۳۷۷) و نیز محدودیت‌های شناختی (بودون، ۱۹۹۸) و نیز هنجارها و ارزش‌های اجتماعی (پارسونز، ۱۹۹۸؛ الستر، ۱۹۸۹) است و افراد در چارچوب عوامل یادشده دست به کنش می‌زنند (به نقل از جوادی یگانه، ۱۳۹۰).

هنجاری شدن فساد، گونه‌ای از ریخته‌شدن قبح فساد در جامعه است. وقتی فساد جزئی از زندگی شد، برگرداندن آن به وضعیت اولیه خیلی سخت است و ممکن است این هنجار از نسلی به نسلی انتقال یابد. یک توجیه استنادی در روان‌شناسی هست که می‌گوید: «چرا فلانی دزدی کرد چیزی نگفتند؟ پس من هم دزدی می‌کنم» (کد B).

ضعف استقلال قضایی: یکی دیگر از عوامل اصلی در پیدایش فساد اقتصادی است که اشارات زیادی به آن می‌شود. بحث استقلال قضایی یا کیفیت خدمات قضایی نقش بسزایی در کاهش یا افزایش فساد اقتصادی دارد. یکی از استادان معتقد است: «دستگاه قضایی باید به صورت جدی در این صحنه حضور داشته باشد و بعد از تخلف افراد به صورت قانونی با آن‌ها برخورد و آن‌ها را مجازات کند تا افرادی که قصد ورود به این عرصه را دارند از این مجازات‌ها درس عبرت بگیرند» (کد G). دیگری می‌گوید: «قوه قضاییه مستقل، تفکیک قوا (تراز کردن نهادی) نظارت کارآمد می‌تواند مانع از فساد و فعالیت خودسرانه دولت شود» (کد H). در همین زمینه، رئیس سازمان دیده‌بان شفافیت و عدالت معتقد است: «مجلس، قوه قضاییه، پلیس، دیوان محاسبات و سایر دستگاه‌های مبارزه با فساد وقتی در وضعیتی فاسد باشند، مبارزه با فساد سخت‌تر می‌شود» (کد I).

ابهام و تعارض در قوانین: یکی از گزینه‌هایی است که افراد سودجو و مفسدان اقتصادی برای رسیدن به اهداف نامشروع خود از آن بهره می‌برند. تناقض و تعدد قوانین در کشور می‌تواند زمینه را برای افرادی که مستعد فساد هستند فراهم سازد. لازم است برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های عناصر سودجو برای کسب منافع بیش‌ازحد، تنقیح قوانین و ابهام‌زدایی صورت گیرد و تابعیت همه از قوانین شفاف و روشن در دستور کار همه قرار گیرد، اما مشاهده می‌شود عده‌ای برای دستیابی به منافع خود با گروه‌های ذی‌نفع‌بده و بستان‌کنند و در مواقع لازم نیز قوانینی را برای حفظ دارایی‌ها و اموال و مکتب خویش با استفاده از رانت به تصویب می‌رسانند. در این زمینه، یکی از استادان می‌گوید: «این‌ها (مفسدان) ارزش هر رانت را می‌دانند و در منافع هم شریک هستند؛ مثلاً به نمایندگان مجلس پول می‌دهند اگر در انتخابات برنده شد فلان قانون را تصویب کنند یا فلان مالیات را از آن‌ها نگیرند. در کشورهایی که میزان فساد بالا است، نظام حقوقی متعارض وجود دارد. از تعارض قوانین سوءاستفاده می‌کنند و دنبال قوانین متعارض می‌گردند؛ بنابراین این‌ها از ابهام قوانین استفاده می‌برند» (کد M). یکی از مشارکت‌کنندگان تحقیق بر این عقیده بود: «اصلاحات باید از قوانین و مقررات آغاز شود. کژکارکردهای نهادی سبب می‌شود فرصت‌های اعتبارات بانکی به افراد صاحب ثروت داده شود؛ مخصوصاً آن‌هایی که فعالیت‌های نامولد دارند که همین سبب ناکارآمدی می‌شود، هزینه‌های تولید بالا می‌رود، زدوبند بیشتر می‌شود. آنجایی که زمینه‌های انحصار شکل می‌گیرد مثلاً سلطان شکر پیدا می‌شود و این انحصارها مانع از شفافیت می‌شود» (کد D). در همین زمینه یکی از استادان معتقد است: «دولت‌ها با وضع قوانین و مقررات بیش‌ازحد، اعطای مجوزهای خاص و گسترش دیوانسالاری به بازارها لطمه می‌زنند. قوانین و مقررات بی‌قیدانه به شکل الزامات اداری، حقوقی و قانونی وجود دارد که بسیار زمان‌بر و پرهزینه هستند» (کد N). موضوع دیگری که در بحث قوانین باید بدان اشاره کرد، بحث ساختارهای قانونی ما است که ضعف در ساختارهای آن، زمینه را برای فساد اقتصادی فراهم می‌کند. یکی از استادان می‌گوید: «برخی از قانون‌ها فسادزا است. با تعدد قوانین و تفسیرهایی که از قوانین می‌شود، افراد به راحتی فساد می‌کنند. بعضی جاها خودمان به صورت ناخواسته مجوزهایی دادیم که به فساد منجر شده است. ناآگاهی در تصمیم‌گیری بخش دیگر کار است. ساختارهایی نداریم که از این لحاظ بررسی کنند وقتی مقامی مسئول تصمیمی می‌گیرد، آدم‌های زرنگی هستند که از همین تصمیم و قانون به راحتی برای مقاصد خودشان استفاده می‌کنند» (کد K).

رابطه دولت-ملت: از مفاهیم مهم و کاربردی در حوزه سیاست و اجتماع است و این رابطه شرایطی را بیان می‌کند که تأثیرگذار در میزان فساد اقتصادی است. در تاریخ سیاسی-اجتماعی ایران، چون همه حقوق‌ها اساساً در انحصار دولت بود، همه وظایف نیز اساساً برعهده دولت قرار می‌گرفت و نیز برعکس، چون مردم اصولاً حقی نداشتند وظیفه‌ای در برابر دولت برای خود قائل نبودند (کاتوزیان، ۱۳۷۹)؛ بنابراین رشد ملیت به معنای خانوادگی و محلی وجود داشته و طبیعی و قوی بوده است، ولی مملکت و دولت برای افراد بیگانه و تحمیلی بوده است (بازرگان، ۱۳۷۵). حال اگر این سابقه و ذهنیت تاریخی را با واقعیت امروز جامعه که در آن، گستره حضور و منافع دولت بسیار بیشتر از گذشته شده و حوزه‌های عملکردی افراد در بسیاری از موارد پیوسته و متداخل و مرتبط با دولت است پیوند دهیم، می‌توان گفت که بسیاری از موارد فساد اقتصادی ناشی از بی‌اعتمادی به دولت و جدادانستن مردم و دولت است. در همین رابطه یکی از استادان معتقد است: «وقتی رابطه دولت و ملت گسسته شد، فساد افزایش می‌یابد» (کد K). عکس قضیه نیز صادق است. وقتی رابطه دولت-ملت مستحکم باشد، خیانت و دزدی کمتری صورت می‌گیرد. پس مبارزه با فساد اقتصادی همکاری همه را لازم دارد. یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان معتقد است: «فساد اقتصادی مانند یک بیماری است که سرایت می‌کند هم زمان بر است و هم همکاری همه را می‌خواهد. خود فاسدها در سیستم حضور پیدا می‌کنند. طرف مگر علیه خودش قانون می‌نویسد؟»

ساختار سیاسی: جامعه می‌تواند نقش مؤثری در میزان فساد اقتصادی یک جامعه داشته باشد. ساختار سیاسی جامعه، میزان قدرت و مسئولیت سیاستمداران را تعیین می‌کند و از این طریق بر منافع و هزینه‌های فساد برای هر سیاستمدار اثر می‌گذارد. هرگاه قدرت مطلق در اختیار یک سیاستمدار گذاشته شود، بدون شک خطر فساد افزایش می‌یابد. وجود احزاب سیاسی مختلف سبب ایجاد رقابت سیاسی و انتقال دوره‌ای قدرت از یک گروه یا حزب به گروه یا حزب دیگر می‌شود و فعالیت‌های حزب حاکم پیوسته از جانب احزاب رقیب مورد نظارت، ارزیابی و انتقاد قرار می‌گیرد. یکی از استادان در این زمینه معتقد است: «حرکت به سمت اقتدارگرایی یا نبود حکمرانی خوب زمینه‌ساز فساد اقتصادی است. اقتدارگرایی یا فساد سیاسی بسته موجب می‌شود انسان‌های بزرگ حذف شوند و انسان‌های چاپلوس و متملق بر سرکار آیند. اجازه‌نداشتن فعالیت احزاب نیز به فساد کمک می‌کند؛ چون احزاب، همدیگر را کنترل می‌کنند؛ بنابراین نظام سیاسی دموکراتیک به بهبود وضعیت فساد اقتصادی کمک می‌کند» (کد A). عده‌ای معتقدند: «نبود آزادی کافی برای مطبوعات از عوامل ساختاری فساد اقتصادی است» (کد C).

ضعف در حکمرانی و شیوع فساد شبکه‌ای در ساختار اقتصادی، مضامین به‌دست‌آمده از مجموعه مصاحبه‌های صورت‌گرفته با استادان درباره موضوع فساد اقتصادی است. حکمرانی بد در مقابل حکمرانی خوب است که با شش شاخص از سوی بانک جهانی مشخص شده است: «حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد.» از شاخص‌های حکمرانی ضعیف در مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از تحقیق مانند رابطه دولت-ملت، ساختار سیاسی، ابهام و تعارض در قوانین، اقتصاد دولتی، پایین‌بودن هزینه فساد، ضعف استقلال قضایی، نبود شفافیت و هنجاری شدن فساد آشکار شد که نهادی شدن فساد و فراگیری آن در نهایت به افزایش دامنه فساد اقتصادی منجر شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

ظهور و بروز پدیده‌ای مانند فساد اقتصادی، ناگهانی و دفعی نیست و بسترهایی فضای لازم را برای رشد و گسترش آن فراهم می‌کند. هرچند فساد اقتصادی در همه جوامع از پیشرفته‌ترین تا عقب‌مانده‌ترین آن‌ها وجود دارد، اما جوامعی که سازوکارهای دقیق برای مدیریت جامعه دارند و ملاک عمل هر فرد و نهاد با معیار قانون سنجیده می‌شود و خودسری‌ها و بی‌قانونی‌ها در آن اعتباری ندارد، فساد اقتصادی کمتری دارند، اما جوامعی که هنجارگسیخته است و ملاک عمل، نظر فرد یا گروهی خاص است و جایگاه قانون مشخص نیست. در این قبیل جوامع، فساد اقتصادی بیشتر رایج و شایع است. کشور ما نیز در این مسئله آسیب‌پذیر شده است. در تحقیق حاضر، برای رسیدن به صحت این فرض به استادان صاحب‌نظر موضوع مراجعه شد و مفروضات تحقیق با گزاره‌های قبلی معتبر شناخته شد.

استادان صاحب‌نظر دانشگاه، عوامل متعددی را در پیدایش فساد اقتصادی مؤثر می‌دانستند. آنچه بیش از همه در نظر استادان در بروز و ظهور آن حائز اهمیت بود، نبود شفافیت، نوع رابطه دولت و ملت، پایین‌بودن هزینه فساد، ابهام در قوانین و ضعف دستگاه قضایی در برخورد با فساد اقتصادی بود که می‌توان نتیجه حکمرانی ضعیف را شالوده آن دانست. با استفاده از مقوله‌هایی که از مفاهیم تحقیق و داده‌های تحقیق به‌دست آمد مشخص شد که ابعاد فساد اقتصادی در کشور ما گسترده شده و حالت «نهادی» پیدا کرده است. طبیعی است جلوی رشد هر پدیده را تا زمانی می‌توان گرفت که خیلی شایع نشده باشد، اما زمانی که فراگیر شد و در نظر عاملان، قبح آن ریخته شد، کنترل یا تعدیل آن کاری سخت و پرهزینه برای حاکمیت خواهد بود.

سایر عواملی که از نظر مشارکت‌کنندگان، در وقوع فساد اقتصادی مهم به‌شمار می‌رفته است و از آن‌ها به‌عنوان عوامل مداخله‌گر از نظر استادان نام برده شد، عوامل فرهنگی و تاریخی، تغییر ارزش‌های جامعه، وجود برخی انحصارها و نبود رقابت اقتصادی بود. تا

زمانی که مفهوم دولت- ملت و حکمرانی خوب در جامعه به صورت کامل شکل نگیرد و همه دنبال نفع شخصی خود باشند، انتظار داشتن جامعه بدون فساد بیهوده است. ارجحیت منافع گروهی و فردی از سوی سیاست‌گذاران با تصویب قوانین خاص، حلقه را بر سایرین در انتفاع از منافع عمومی تنگ‌تر می‌کند و زمینه رشد و فساد بر دیگران را برای رسیدن به حقوق خویش فراهم می‌سازد. نادیده گرفتن حقوق دیگران با پرداخت‌های غیرقانونی میسر می‌شود و این روند تا برداشته شدن تمامی موانع و ایجاد شفافیت بر منافع عموم بازتولید می‌شود. پیامدهای وجود فساد اقتصادی و ضعف حکمرانی در تجاوز به حقوق دیگران از طریق متوسل شدن به راه‌های میانبر مانند اختلاس، رشوه‌گیری، باندبازی، اخاذی و سوءاستفاده از جایگاه و مقام دولتی خود بر دامنه ثروت و قدرت خود را نشان می‌دهد و ادامه این روند در نهایت به تبعیض و نابرابری روزافزون در جامعه منجر خواهد شد. جامعه‌ای که دچار عارضه نابرابری و تبعیض شود، رو به افول و هلاکت خواهد رفت. دوری از این وضعیت از نظر مشارکت‌کنندگان تحقیق، مستلزم شفافیت اطلاعاتی و مالی است تا جایی که ثروت و درآمد آحاد مردم و مسئولان قابل‌ردیابی و دردسترس باشد و در مواقع مشاهده فساد اقتصادی می‌بایست دستگاه قضایی بدون در نظر گرفتن مصلحت خاصی با متجاوزان به حقوق ملت سریع برخورد کند، اما تداخل سیاست و اقتصاد و ضعف سیستم قضایی به دلایلی مانع از قاطعیت در کنترل و مبارزه با فساد اقتصادی می‌شود و به جای برخورد با فساد، با فاسدان برخوردهایی صورت می‌گیرد که تاکنون چندان کارساز نبوده است.

مطالعه حاضر نشان داد فساد، صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست که صرفاً با رویکرد اقتصادی و با انتخاب عقلانی کنشگران و عاملان برای رسیدن به منافع حداکثری رخ دهد، بلکه دارای ابعاد و علل گوناگون جامعه‌شناختی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی است و با مطالعه تمام ابعاد ذکر شده می‌توان به عمق و وسعت آن پی برد و آن را بازشناخت. آنچه عنوان شد، بررسی پدیده فساد اقتصادی از منظر تعدادی از استادان دانشگاه بود، اما پیشنهاد می‌شود پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه با خود عاملان، مفسدان و اختلاسگران بدون واسطه مصاحبه کنند؛ زیرا آن‌ها بهتر از هر کسی با مقوله فساد آشنا هستند و شنیدن دلایل، شیوه‌ها و علت‌های فساد اقتصادی از زبان آن‌ها می‌تواند نوعی درس عبرت برای متولیان حوزه‌های سیاست‌گذاری باشد، مانع گسترش فساد در آینده کشور شود و به کنترل فساد کمک کند.

منابع

- رزاکرم، سوزان (۱۴۰۰). *فساد و دولت؛ علت‌ها، پیامد و اصلاح*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: شیرازه.
- دخراف، خیالت، واخار، پیترو و فون مارافیک، پاتریک (۱۳۹۵). *چشم‌اندازهای نظری فساد*. ترجمه هانیه هژبرالساداتی، داود حسینی هاشم‌زاده و جلیل یاری. تهران: آگاه.
- دیلنی، تیم (۱۳۸۹). *نظریه‌های جامعه‌شناسی کلاسیک*. ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی. تهران: نشر نی.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر سنجش فساد*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- حاج باقری، محسن، صلصالی، مهوش و پرویزی، سرور (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق کیفی*. تهران: نشر نی.
- اشتراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۳). *نظریه‌مبنایی و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۴). *تحلیل رابطه حکمرانی خوب و فساد اداری*. *مجله مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۳(۳)، ۱۰۳-۱۲۷.
- فاضلی، عبدالرحمن (۱۳۹۰). *فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون‌رفت*. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۲۸(۴۵)، ۲۳۵-۲۶۴.
- محنت‌پور، یوسف (۱۳۸۷). *فساد اقتصادی و راهکارهای مبارزه با آن در فرایند توسعه اقتصادی*. *همایش اقتصاد اسلامی و توسعه*. دانشگاه فردوسی مشهد.
- متوسلی، محمود (۱۳۷۳). *خصوصی‌سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار*. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۹۰). تنبلی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۲(۳)، ۱۰۹-۱۳۷.
- آمارتیانسن، آماریتاکومار (۱۳۸۳). *توسعه یعنی آزادی*. ترجمه محمدسعید نوری نائینی. تهران: نشر نی.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹). *دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی*. تهران: مرکز بازرگان، مهدی (۱۳۵۷). *سازگاری ایرانی: فصل الحاقی روح ملت‌ها*. تهران: باد.
- Afzali, A., (2011). *Corruption and Its Impact on Development: Causes, Consequences and Strategies for Exit*. *International Law Journal*, 28(45), 235-264. (In Persian)
- Amartiansen, A. (2004). *Development means freedom*, translated by Mohammad Saeed Nouri Naeini, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Ata, A. Y., & Arvas, M. A. (2011). Determinants of economic corruption: a cross-country data analysis. *International Journal of Business and Social Science*, 2(13), 161-169.
- Bazargan, M. (1978). *Iranian compatibility: an addition to the soul of nations*. Tehran: Bad. (In Persian)
- Delaney, T., (2010). *Theories of classical sociology*. Translated by Behrang Sedighi, Vahid Toloui, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Fazeli, M., (2009). *Introduction to Measuring Corruption*. Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (In Persian)
- Gholipour, R. (2005). Analysis of the relationship between good governance and corruption. *Journal of Organizational Culture Management*, 3(3), 103-127. (In Persian)
- Graaf, G. D. M. M. & W. W. W. W. (2015). *Theoretical perspectives of corruption*. Translated by: Haniyeh Hojbaralsadati, Davood Hosseini Hashemzadeh, and Jalil Yari. Tehran: Aghah Publications. (In Persian)
- Haj Bagheri, M., Mahvash., S., & Sarvar P. (2007). *Qualitative research methods*. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Javadi Yeganeh, M. R., (2011). Social Laziness and Factors Affecting It, *Iranian Sociology*, Volume 12, Vol. (In Persian)
- Jong-Sung, Y., & Khagram, S. (2005). A comparative study of inequality and corruption. *American Sociological Review*, 70(1), 136-157. <https://doi.org/10.1177/000312240507000107>
- Katoozian, M. A. (2000). *Government and society in Iran: Qajar Extinction and Pahlavi Establishment*. Tehran: Markaz Publishing. (In Persian)
- Mohantpour, Y. (2008). Economic Corruption and Strategies to Combat It in the Process of Economic Development. *Conference on Islamic Economics and Development*. Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian)
- Motavaseli, M. (1994). *Privatization or favorable combination of government and market* (1st Ed.). Tehran: Institute of Business Studies and Research. (In Persian)
- Olken, B. A., & Pande, R. (2012). Corruption in developing countries. *Annual Review of Economics*, 4(1), 479-509. <https://doi.org/10.1146/annurev-economics-080511-110917>
- Rosakerman, S. (2021). *Corruption and government; Causes, consequences and correction*. Translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Shirazeh Publishing. (In Persian)
- Treisman, D. (2000). The causes of corruption: a cross-national study. *Journal of Public Economics*, 76(3), 399-457. [https://doi.org/10.1016/S0047-2727\(99\)00092-4](https://doi.org/10.1016/S0047-2727(99)00092-4)
- Warren, M. E. (2004). What does corruption mean in a democracy?. *American Journal of Political Science*, 48(2), 328-343. <https://doi.org/10.2307/1519886>